



سه بیانیه از سازمان مجاهدین خلق

TerrorSpring

درباره:

- اعدام انقلابی رئیس کمیته مشترک ساواک و شهریانی
سرتیپ جنایتکار رضا زندی پور
- اجرای حکم انقلابی اعدام مستشاران امریکائی
- عمل ناموفق اعدام دیپلمات امریکایی

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۱

درباره :

اعدام انقلابی

رئیس کمیته مشترک ساواک و شهربانی

سرتیپ جنایتکار رضا زندی پور

در ساعت ۷/۱۵ بامداد روز دوشنبه ۲۶

اسفند ماه ۵۳، حکم انقلابی اعدام رضا زندی پور

سرتیپ جنایتکار شهربانی و رئیس کمیته مشترک ساواک

و شهربانی، توسط یک واحد از رزمندگان سا زمان

مجاهدین خلق ایران اجرا گردید.

رزمندگان ما بر اساس شناسائیهای مستمر و طرح

رهزی دقیق که بعمل آورده بودند، اتومبیل حامل

سرتیپ خائن و محافظش را در خیابان فرح وادار به

توقف نموده و هر دو مزدور را به رگبار آتش خود بستند . با دقت‌های لازمی که در طراحی عمل صورت گرفته بود و همچنین تسلطی که رزمندگان ما بر صحنه عملیات داشتند ، به پسر ۱۸ ساله سرتیپ جنایتکار که پشت سر پدرش در اتومبیل نشسته بود ، هیچگونه آسیبی وارد نیامد . ما بدین ترتیب ، یکبار دیگر به تمام مزدوران ساواک و شهریارانی ، به تمام نیروهای مسلح و غیر مسلحی که خود را به دستگاه طبقه حاکمه ، به رژیم مزدور شاه خائن فروخته‌اند ، اعلام کردیم که سلاحهای ما تنها سینه اربابان آنها و سینه کسانی را نشانه خواهد گرفت که آگاهانه در صف دشمنان خلق و استثمارگران درآمده و به شکنجه و کشتار مردم و انقلابیون ما میپردازند . همینطور کشته شدن محافظ رئیس کمیته بوسیله ما ، بدین معناست که ما در راه ضربه زدن به منافع و عناصر پلید رژیم شاه جنایتکار ، سینه هر کس را نیز که بعنوان مزدور رژیم

بخواهد از این حرکت انقلابی و مقدس جلوگیری بعمل
 آورد ، هدف گلوله های خویش قرار خواهیم داد .
 عملیات اعدام سرتیپ مزدور که همزمان با چهارمین
 سالگرد شهادت مجاهد شهید محمد رضا میرمحمد
 صادق انجام شد ، بنام طرح " میرمحمد صادق "
 نامگذاری شده بود . وی در اسفند ۵۰ در یک
 درگیری در حوالی میدان ۲۴ اسفند بدست مزدوران
 کمیتہ به شہادت رسید .
 مجاهدین علیرغم پلیسی بودن بیش از حد منطقه
 بدون اینکه با هیچ مانعی مواجه شوند ، سالم به
 پایگاههای خویش بازگشتند .

زندگی پور که بود و چرا او را اعدام کردیم؟

سرتیپ معدوم ، یکی از وحشیترین مزدورانی
 بود که طی سالهای دراز به شکنجه و کشتار مردم
 مبارز ما پرداخته بود . از زمان تاسیس اطلاعات

شهربانی و مخصوصاً بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، یعنی بیش از ۲۰ سال، این مزدور مستقیماً در شکنجه‌های وحشیانه انقلابیون توسط اطلاعات شهربانی شرکت داشت، بطوریکه توانست پس از ابراز خوشخدمتی‌های فراوان به اربابان خونخوارش به معاونت اطلاعات شهربانی برسد. وی نقش بسزائی در تاسیس و سازماندهی کمیته مشترک ساواک و شهربانی، در اواخر سال ۵۰ داشت و بهمین جهت بریاست این کمیته که اعضای آن از وحشیترین جلادان خود فروخته ساواک، شهربانی و سایر نیروهای مسلح انتخاب شده بودند، منصوب گشت. در مدت سه سال که از تاسیس کمیته باصطلاح ضد خرابکاری یعنی این مجمع آدمکشان و اوباشان شاه‌جنایتکار، می‌گذرد، او در راس مزدوران وحشی ساواک و اطلاعات شهربانی بجنایات متعددی دست یازید. بدستور شاه جنایتکار و تحت نظر مستقیم‌زندی

پور، این مزدور وحشو، بسیاری از انقلابیون مادرزیر ضربات شلاق و یا بر روی اجاقهای الکتریکی بهلاکت رسیدند و هزاران تن از مردم ما تحت ظالمانه ترین شرایط، در زندانهای قرون وسطائی ساوان و شهرها نسو به بند کشیده شدند. آزار و شکنجه زندانیان سیاسی و انقلابیون ایران، امروز حد و مرز ندارد و از این نظر این زندانها تابلوروشنی از جنایات بهشمار این سگان دست پرورده امپریالیسم و شاه خائن و از جمله تابلوروشنی از جنایات سرتیپ معدوم زندی پور را نشان میدهد.

او هر روزه از سلول مبارزین رزمندهایکه در اسارت این مزدوران قرار داشتند بازدید میکرد و مرتباً دستوراتی در جهت تشدید شکنجه و آزار آنان صادر مینمود، وحشوترین مزدوران را که به شکنجه بیشتری پرداخته بودند، تشویق میکرد و بیشرمانه بانقلابیون ما توهین و آنانرا به شکنجه تاسرحد مرگ تهدید می

نمود . حکم انقلابی اعدام این مزدور جنایتکار که از مدتها پیش در دادگاه انقلابی خلق صادر شده بود ، بالاخره در بامداد دوشنبه ۲۶ اسفند بمورد اجرا گذارده شد .

عکس العمل رژیم شاه چه بود ؟

عمل انقلابی اعدام سرتیپ زندی پور و محافظ او چنان وحشتی بر قلب رژیم شاه خائن و خیال اوپاشان ساواک و شهربانی انداخت که بلافاصله در همان روز بتمام نیروهای خود آماده باش کامل داده و تمام احکام مرخصی نیروهای پلیس را لغو کردند . شهر در پوششی از پلیسهای مخفی ، از موتورسواران مسلح مخفی و گشتیهای کمیته و شهربانی ، قرار گرفت تا با هرگونه عکس العمل احتمالی مردم مقابله کرده و شاید بتوانند ضربه متقابلی بر انقلابیون وارد سازند .

نوکران امپریالیسم در طبقه حاکمه، از سگی که ۳۰ سال
 منافع کثیف آنها را پاسداری کرده بود، اینطور تجلیل
 کردند.

۴ مرد مسلح يك سر تيب و راننده اش را کشتند و فرار کردند

ساعت ۷:۲۰ پامداد دیروز
 مکانی که سرخپوشان زندی پوز
 بدانناق زاننده عازم محل کار
 خود بینه در یکی از خیابان های
 فرعی خیابان فرج به وسله چهار
 نفر مسلح مورد حمله قرار
 گرفت افراد مهاجم پس از آنکه
 افسر مزبور و راننده را به قتل
 رساندند و به تازی شدند مامورین
 با اطلاعاتی که از شهود قضیه
 سایر طرق بدست آورده اند
 در تعقیب قاتلین میباشند .

در تصادف با بیکار

رویح در رخ شدند

سابق کرد شدت
 بود که سایر
 سیرد و سپاهسی
 روح شد مجروح
 رخس انتقال یافت
 اقرار گرفت و
 نیز به پزشکی
 نقل شد
 حادثه از طرف
 سرخس تحت
 شد

ی صندلی التیمین
 دیرو شدند این
 بیمارستان انتقال
 ان تأیید کردند
 بر اثر کلاکین
 بودن بخاری
 میر...

گویا که کره الاغی سقط شده است!

قهر انقلابی ، تنها پاسخ اساسی به قهر ضد انقلابی دیکتاتوری شاه :

اعدام یگو از مهمترین و قدیمترین جزایان سرسپرده رژیم ، علیرغم محافظت‌هاییکه از او بعمل می‌آمد ، یکبار دیگر باین دشمنان قسم خورده خلو ، به شان خونخوار و دیگر سگان کاسه لیس امپریالیسم آمریکای دست پروردگان سرمایه داری زالوصفت و وابسته‌ایران نشان داد که در مقابل قهر ضد انقلابی آنها ، در مقابل استثمار و ستم بی‌حدی که سالیان دراز بر خلو زحمتکن ما روا داشته‌اند ، اینک قهر انقلابی توده‌های مبارز ما و پیشگامان انقلابی آنها قرار دارد ، ایند زمان حاکمیت بی‌چون و چرای مزدوران سازمان‌امنیت و دیکتاتوری سیاه پهلوی بسر رسیده است. خلو ما راه‌رهای خویش را در اعمال قهر انقلابی ، در مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم جهانی و نوکران داخلی‌سرخوبو شناخته است. اعدام انقلابی زندد پور ، این

دشمن قسم خورده خلع، تایید دیگری بود بر ایمن
باور بازگشت ناپذیر. این اعدام مخصوصا پاسخی
مناسبی بود که پیشگامان انقلابی خلق در مقابل
تشدید قهر ضد انقلابی رژیم مزدور شاه گذاردند.
اکنون رژیم شاه خائن چون ماری زخم خورده،
عملیات ضد انقلابی و تجاوز آشکار امپریالیستی و
ارتجاعی خود را چه در سطح منطقه و چه در داخل
تشدید کرده است. در سطح منطقه علنا به سرکوب
خونین خلق مبارز ظفار پرداخته و بطور آشکار و نهان
علیه مبارزان کرد، بلوچ و کشورهای مرفعی منطقه
دست بتوطئه و تخریب زده است. در همان حال در
داخل ایران، رژیم مزدور شاه با تشدید دیکتاتوری
سیاه خود و با تشدید روز افزون سرکوب خونین توده
های مبارز خلق، قصد دارد هر گونه صدای حق
طلبانه و مخالفی را در حلقوم خفه کند.

توطئه جدید او تحت عنوان "حزب واحد رستاخیز ملی

ایران وجهه دیگری از این تشدید دیکتاتوری و خفقان است که دیگری کوچکترین جایی برای لیبرالها و اقیما نندگان بورژوازی لیبرال هم نگذاشته است. شاه و رژیم مزد و شایینبار آشکارا و با احتتام ، طرح برد ساختن کامل ملت ایران را اعلام کرده اند. حزب رستاخیزی که شاه اعلام میکند چیزی نیست جز یک سیستم سیاسی متمرکز برای استثمار هر چه بیشتر خلق و در جهت تامین نیازهای سرمایه داری وابسته ، حزب رستاخیز جز یک طرح پلیسی با مپریالیستی که خفقان بیشتر، سرکوب خونین تر ، و بردگی بیشتر را برای خلق ما همراه دارد چیزی دیگری نیست. حزب رستاخیز چیزی نیست جز یک دستگاه عریض و طویل تر تفتیش عقاید. چیزی نیست جز تجلی آشکار دیکتاتوری سیامپهلوی که دیگر ماسک مسخره دیکراسی پارلمانی را هم بر چهره ندارد.

اینکه شاه توانست با یک نطق سرهم بندی شده از طرف سازمان امنیت ، طومار حیات همه احزاب موجود در ایران را یکسبه درهم بپیچد ، چه چیزی

جز پوشالو بودن ، جز فرمایشی بودن و جز مسخره بودن این احزاب را می‌رساند ؟ جالب اینجاست که سردمداران همین احزاب فرمایشی فقط بعد از یسک نطو و ساعته ، خودشان به مسخره خودشان پرداختند و ابراز تعجب میکردند که چگونه توانسته‌اند تا این مدت ، باین بازی مسخره مبارزه حزبی ادامه بدهند ؟

ایند شاه خائن و رزیم مزدور بیگانه‌اش - در آخرین صحنه بازی مسخره و مکر اسپشاش - چهره کامل و سیاه دیکتاتوری خود را در طرح پلیسو حزب رستاخیز بتماشاش گذارد هاند (۱) بدین ترتیب دشمن بار دیگر و با شدت بیشتر تمام نیروهای بینابینی را در مقابل یک د و راهو تعیین کننده قرار داده است . نیروهاییکه بهرحال هم اکنون بین جنبر و ضد جنبر در نوسانند . نیروهاییکه هنوز به مشو مسلحانه به عنوان تنها راه رهائی خلق اعتماد استوار خود را

ابراز نکرده‌اند ، فقط در راه در پیش دارند : یا باید با خلق بود و در راه رهائی او جنگید و یا با دشمن خلق بود ، برده وار بر آستان او سجده آورد و ریزه خوار سفره خون آلودشان گشت .

بدین ترتیب شاه خائن ورژیم مزد ورش اینک هیچ

مفری ، هیچ ساحل امنی ، و هیچ راه وسطائی برای چنین نیروهائی باقی نگذارده‌اند . این امر از نظر ما نه تنها پدیده ناگوار و بدی نیست بلکه پدید ه بسیار خوبی هم هست . دشمن خود به مرزبندی بین صفوف خود و صفوف خلق پرداخته است . البته این در عین اینکه نشان دهنده فشار روزافزون نیروهای انقلابی بر رژیم است ، تدابیر جدید دشمن را در یک آرایش جدیدتر جنگی و اطمینان از کمیت و کیفیت نیروهایش را نیز برای حملات وحشیانه تر نشان می‌دهد همچنین نشان می‌دهد که دشمن درین میان هیچ موضع با اصطلاح بیطرفانه‌ای را هم تحمل نخواهد کرد .

او اقرار صریح به بردگی و بندگی را میطلبد و هر
موضوعی جز این را، دشمنانه خواهد دانست.
بنابراین این دیگر تنها انقلاب نیست که صفوف
خود را مشخص میکند، بلکه اینک ضد انقلاب نیز به
مرز بندی بین خود و خلق پرداخته است. بدین
جهت اکنون باز هم بیشتر از پیش تایید میشود که
هیچ شیوه دیگر مبارزه بدون آنکه در چهارچوب و
پیروی از مشو مبارزه مسلحانه قرار گیرد، معنا
ندارد. نه راههای رفرمیستی و مبارزه قانونی، نه
اصلاح مسالمت آمیز اجتماعی و شیوه های باصطلاح
کمک و تعاون، نه نظریه و خطابه و منبر، نه موسسات
خیریه و عام المنفعه و نه راه حلها فرصت طلبانه،
هیچکدام کوچکترین منافی برای خلق زحمتکش ما
ندارد. اینها تمام آب به آسیاب دشمن ریختن و در
نتیجه از در سازش و تسلیم با او درآمدن است. در
چنین شرایطی دیگر حتی جای برای باصطلاح بسو

طرفانه زندگی کردن و سکوتهای صوفی منشانه و عزلت نشینیهای روشنفکرانه باقی نمانده است. چنین شیوه ها و موضعگیریهای سازشکارانه بسرعت ، به غلطیدن در غرقابی که رژیم برای چنین نیروهائی تهیه دیده است ، خواهد انجامید .

ما اکنون لازم میدانیم به تمام این نیروها ، نیروهائی که هنوز در حالت گیجی و تردید بسر میبرند ، هشدار بدهیم که تنها يك راه در مقابل دارند و آن پیوستن به صفوف انقلابی خلق است. در این راه ما نه تنها شیوه های فرعی مبارزه ، کارمخفی سیاسی - فرهنگی ، کارمخفی افشاگری - توضیحی در میان توده ها و تشکل مخفی آنها را و یا مبارزه صنفی - اقتصادی طبقات مختلف را نفی نمیکنیم ، بلکه عمیقاً معتقدیم که تمام این اشکال لازم بوده و باید در چهار چوب استراتژی مبارزه مسلحانه بعنوان اصلیتترین راه رهائی خلق سازمان داده شوند . از این نظر صفوف

انقلابی خلو تمام اشکال ممکن مبارزه را که عمدتاً به شکل مخفی صورت میگیرد، در حول شکل اصلی آن یعنی مبارزه مسلحانه در بر میگیرد.

از توده های مبارز ما، کارگران - دهقانان - روشنفکران روحانیون مرفق - پیشه وران - بازاریابان - دانشجویان و دانش آموزان - زنان و مردان انقلابی!

دشمن توطئه سیاه را بگریز برای تحکیم و اشاعه خفقان و دیکتاتوری خود بشکل حزب پلیسی رستاخیزت دارک دیده است. شما با پیوستن خود به صفوف انقلابی خلو، این توطئه دشمن را خنثی کنید. جلور در این صفوف را اکنون سازمانهای مسلح پیشتاز تشکیل میدهند. ما رزمندگان سازمان مجاهدین خلو ایران از شما میخواهیم که با پیوستن به صفوف انقلابیون، با پشتیبانی از جنبش مسلحانه و حمایت از سازمانهای مسلح پیشتاز، امر وحدت

نیروهای خلو را در مقابل وحدت نیروهای دشمن
محرف سازید .

نابود باد دیکتاتوری سیاه شاه جنایتکار
شکوفان ترنهاد جنش مسلحانسه خلد ایستیران
مستحکمتر باد وحدت انقلابو تمامنیروهای خلو

" سازمان مجاهدین خلو ایران "

۰۲ / ۱۲ / ۲۱

The logo features a stylized flame or drop shape composed of overlapping curved lines in shades of blue, purple, and red. Below this graphic, the word "TerrorSpring" is written in a bold, sans-serif font. "Terror" is in purple and "Spring" is in red.

TerrorSpring

اطلاعیه سیاسی - نظامی شماره ۲۲

درباره :

اجرای حکم انقلابی

اعدام مستشاران امریکائی

این است پاسخ ما به کشتار وحشیانه فرزندان

انقلابی خلق در زندانهای شاه جنایتکار

TerrorSpring

در ساعت ۶ و ۴۰ دقیقه بامداد روز چهارشنبه

۳۱ اردیبهشت ۵۴ ، همزمان با بازگشت شاه جنایت

کار از مسافرت توطئه آمیزش به آمریکا ، حکم انقلابی

اعدام دو تن از مستشاران تجاوزکار امریکائی در

ایران " سرهنگ شفر" و " سرهنگ دوم ترنر" توسط

يك واحد از رزمندگان "سا زمان مجاهدین خلوایران"
اجرا گردید .

انقلابیون ما در حالیکه از دو طرف راه را بر
اتومبیل حامل سرهنگان بسته بودند ، بر روی آنها
آتس شوردند . این دو مزدور در اثر آتشباری
مجاهدین در دم کشته شدند . راننده ایرانی دو
سرهنگ تجاوز کار که دستورات فرماندهی عملیات
مبنی بر عدم مقاومت در مقابل رزمندگان ما را بخوبی
اطاعت نموده بود ، بدون اینکه کوچکترین آسیبی
ببیند ، در صحنه عملیات سالم بر جای ماند . بدین
ترتیب ما بار دیگر ثابت کردیم که گلوله های ما تنها
سینه نیروهای استثمارگر و تجاوزکار ، یعنی دشمنان
خلو را نشانه خواهد گرفت .

عده های از مردم و بخصوص تعدادی از کارگران
ساختمانی که در آن نزدیکی مشغول کار بودند ،
در صحنه عمل جمع شده و آشکارا از اعدام تجاوز

کاران آمریکائی بدست پیشتازان انقلابی خلو را ضو
مینمودند. رفقا ما پسر از ازمینان از موفقیت عمل و
پخش اعلامیه های توضیحی در میان مردم، بسا
فریاد های: "مرکز بر امریالیزم آمریکا"، "مرد بر شاه
جنایتکار" و "زنده باد انقلاب سلحانه خلو" صلحانه
عملیات را ترک کردند و سالم به پایگاههای خود
بازگشتند. در این عملیات اسناد و مدارک کید و
سرهنگ آمریکائی به نفع انقلاب صادره شد که در فرصت
مناسب محتویات آن افشا خواهد شد.

چرا مستشاران نظامی آمریکا را اعدام کردیم؟

این دو مستشار معدوم از جمله بیست هزار نفر
نظامی متجاوز آمریکائی بودند که اینک در میهن ما
به مکیدن خون مردم زحمتکش ما و حفظ و حراست رژیم
دیکتاتوری شاه جنایتکار مشغولند و مخفیانه سرکوب
خونین و خفقان بر حدی را که از ظرف دستگاههای

پلیسو - نظامی شاه بر خلق ما اعمال میشود ،
رهبری میکنند .

اعدام این سرهنگان امپریالیست آمریکائی ،
مخصوصا به انتقام خون ۹ فرزند دلاور خلق : شهید
محمد جهانزاده ، شهید احمد جمیل افشار ، شهید
عزیز سردی ، شهید بیژن جزئی ، شهید حسن ضیا ،
ظریفی ، شهید کاظم ذوالانوار ، شهید مصطفی
جوان خوشدل ، شهید شعوف کلانتری و شهید
عباس سورکی صورت گرفت . این انقلابیون در روز ۳۰
فروردین ۴۵ بعد از تحمل شکنجه های وحشیانه
در ژیمن ساواک و شهریانسی بدستور شاه خونخوار ،
این نوکر سرسپرده امپریالیسم آمریکائی ، با دستهای
بسته هدف گوله مسلسلهای آمریکائی - اسرائیلی
قرار گرفتند و آنگاه پلیس وحشی شاه بیشرمانه ادعا
کرد که آنها در حال فرار کشته شده اند .
اعدام این دو آمریکائی تجاوزکار از طرف سازمان

ما به معنای پاسخ روشن و برگشت ناپذیر خـلق
رنج دیده و زیر ستم ماست به دیکتاتوری سیاه رژیم
پهلوی ، پاسخ آشکاری است به رژیم دست نشاند
و اربابان آمریکائی او، که دیگر غارتگریها و ظلم و
ستم بـر حد آنها تحمل نخواهد شد . این عظیبات
نشان داد که خلق ما بهیچوجه در مقابل فشار
وحشیانه و شکنجه های حیوان صفتانه ای که بـر
هزاران رزمنده اسیر در سیاهچالهای ساواک و
شهربانی وارد میشود ، ساکت نخواهد نشست .
خلق ما تحمل نخواهد کرد که بهیچترین
فرزند ان مبارزش هر روز به بهانه ای بعد از شکنجه
های طولانی و مستمر به رگبار مسلسل بسته شوند ،
تا آقایان امپریالیستهای آمریکائی و نوکران درباری
آنها با خیال راحت به چپاول و غارت ایران بپردازند
اینک خلق ما در زیر رگبار مسلسلهای آمریکائی رژیم
در زیر شلاق ساواک زمان امنیت شاه و در زیر زنجیر

علم و استثمار بیحد امپریالیستهای آمریکا و نوکران داخلی آنها ناله نمیکند ، او پیکر خونین خود را بلند میکنند و سلاح بردور میگیرند . خلو ما راه بدست آوردن آزادی ، راهی را که خلق کبیر ویتنام و کامبوج و لائوس پیروزماندانه پیموده اند ، یعنی راه قراردادن قهر انقلابی در مقابل قهر ضد انقلابی ، قراردادن قدرت انقلاب در مقابل قدرت ضد انقلاب و پیش رفتن تا نابودی کامل دشمن را بخوبی آموخته است .

رژیم شاه خائن بار شکستهای امپریالیسم آمریکا
را در هند و چین بردورن خلقهای منطقه
تحلیل میکند

امپریالیستهای جنایتکار آمریکا که بدنبال شکستهای مفتضحانه و خردکنندهای در ویتنام ، کامبوج و لائوس ، از جنوب شرق آسیا اخراج شده اند ، اکنون قصد دارند با تحکیم رژیمهای ارتجاعی و وابسته

در غرب آسیا ، مخصوصا با تحکیم موقعیت رژیم ارتجاعی شاه خائن در ایران ، موضع سلطه طلبانه و غارتگرانه خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند حفظ کنند .

از نظر امپریالیستها ، منطقه خلیج و اقیانوس هند هم بدلیل اوجگیری مبارزات انقلابی خلقهای آن و انعکاس ضربه مرگبار هند و چین با امپریالیسم در این قسمت از آسیا و هم بدلیل وابستگی روز افزونی که اقتصاد بحران زده سرمایه داران جهانی به ذخایر عظیم زیر زمینی و سود ناشی از استثمار وحشیانه خلقهای این منطقه دارد ، هر روز بیش از پیش اهمیت ویژه مییابد . بدین جهات ، از هم اکنون و در آینده عمده ، فشار امپریالیستی بر آسیا ، بر این نقطه وارد خواهد شد . اما فشار نیروهای ضد امپریالیستی در کشورهای جهانی و صرباتی که امپریالیسم از مبارزات انقلابی و خلقهای تحت ستم ، مخصوصا از ضربه وحشتناک کار و ویتنام و کامبوج دریافت کرده ، همچنین اوجگیری

و تشدید بحرانهای اقتصادی - سیاسی - اجتماعی
درونی آمریکا ، امپریالیستهای خونخوار آمریکائی را
اینک در وضع بسیار اسفناک و نومیدکننده ای قرار داده
است. آنها میبینند که در سرازیر سقوط افتاده اند و
سرنوشت مصیبت بار امپراطوری غدار انگلستان اینک
در انتظار آنهاست. آنها از قسمت مهمی از آسیای
مرکزی و شرقی (چین و ویتنام . . .) بشدت اخراج
شده اند در حالیکه در آسیای غربی ، در خاورمیانه و
منطقه اقیانوس هند هم ، مقاومت انقلابی خلقها علیه
آنها شدت گرفته است. در چنین شرایطی است که
امپریالیستها دیگر تا مدتها جرئت و توانائی یک
داخلت مستقیم نظامی را در این قسمت از آسیای
آسیای باختری در خود نمی بینند .

مقاومت انقلابی و پیروزی پرشکوه خلقهای
ویتنام ، کامبوج ، لائوس ظاهراً در سببهای شکننده ای
به امپریالیستهای آمریکائی داده است. امپریالیستها

ظاهرا فهمیده‌اند که خلقهای اینسور آسیا گورستان
بزرگتر برای آنها آماده کرده‌اند. از این نظر سعی
دارند اینبار دست نشانندگان منطقه را خوب را که
تا دندان مسلح کرده‌اند به پیشواز چنین سرنوشتی
بفرستند. درین میان رژیم مزدور شاه جنایتکار برابر
سرکوب هرچه خونین‌تر انقلابات داخلی و مبارزات
مسلحانه او گرفته‌اند. خلیج ایران و همچنین برای ایفای
نقش ژاندارمی در منطقه و سرکوب جنبشهای انقلابی
خلقهای آن مخصوصاً خلقهای انقلابی خلیج، طغیان
بلوچستان و... استعداد های شگرفی از خود بروز
میدهد! این استعداد از یکطرف ناشی از تمایلات
ماجراجویانه و سلسله طلبانه سرمایه داری حاکم ایران
و خواست درونی او برای ایفای نقش امپریالیستی
در منطقه است و از طرف دیگر بشدت تحت تاثیر سر
سپردگی و وابستگی این رژیم به امپریالیزم آمریکا قرار
دارد. با این توضیح، از یکطرف حرص و آرزو افزون

شاه برای حراج بیشتر نفت و بدست آوردن پول بیشتر
و از طرف دیگر شتاب او برای پای بوسی اربابان
آمریکائیش و تاکید روی لزوم "ادامه رهبری آمریکادر
جهان" مخصوصا در شرایطی که سقوط سگان همزنجیرش
لون نول و وان تیودر کامبوج و ویتنام او را بشدت از
وضع مشابهی در ایران وحشتزده کرده است، معنای
اصلی خویش را پیدا میکند. بدین ترتیب امپریالیستها
در وجود شاه خائن ورژیش، سدک وفاداری رامیبینند
که میتواند بخوبی تا مدتها منافع آنها را در منطقه
حراست کند. و شاه نیز در وجود امپریالیستهای
آمریکائی، این اربابان قدرتمند قدیمی، پشتیبانانی
را میابد که حاضرند او را تا دندان مسلح کنند و به
جان خلقهای منطقه بپندازند.

ایجاد ورهبری سا زمان سرکوب پلیس و ارتش
در ایران توسط مستشاران و جاسوسان جنایتکار
آمریکائی، یعنی همان کسانی که میلیونها تن از مردم

بیگناه هند و چین را زیر رگبار مسلسلها و خودکار و با بمبارانهای جهنمی خود تکه پاره میکردند، و همچنین فرستادن ریچارد هلمز، این جاسوس و آدمکش بیس‌الملو و رئیس سابق سازمان جاسوس آمریکا (سیا) بعنوان سفیر در ایران، جزئی از همین نقشه‌مزورانه یعنی تبدیل رژیم ایران به قدرت مسلط و سرکوب‌کننده منطقه برادر پاسدار منافع امپریالیزم آمریکا بنمشار می‌رود.

بدین ترتیب مرحله جدیدی در تهاجم امپریالیستی به آسیا آغاز میشود. در این مرحله قسمت غربی اقیانوس هند و در قلب آن ایران بکانون تضادها و امپریالیزم و خلیفان منطقه تبدیل میشود. از این قرار بدون جهت نیست که رژیمهای ارتجاعی منطقه و در رأس آنها رژیم مزدور شاه، تحت رهبری مستقیم امپریالیزم آمریکا اکنون با سرعت هرچه بیشتر به سرکوب خونین و جهت‌دار مردم منطقه مشغول شده‌اند.

عملیات انقلابیون ما در صبحگاه ۳۱ اردیبهشت
به امپریالیستهای آمریکائی و مزدوران ایرانیشان، شاه
و طبقه حاکمه نشان داد که در این مرحله جدید چگونه
از آنها و نقشه مزورانه جدیدشان استقبال میشود!
اینک امپریالیستهای آمریکائی باید بدانند که خلق
ما مبارزه آشتی ناپذیر خود را علیه دیکتاتوری و ظلم
و استثمار شاه و دیگر مزدوران طبقه حاکم ایران آغاز
کرده است. امپریالیستها و نوکران داخلی آنها باید
بدانند که اگر خلق کبیر ویتنام ۳۰ سال مردانه جنگید
تا آزادی و استقلال خود را بدست آورد، اکنون ما
حاضریم ۱۰۰ سال بجنگیم. اگر امپریالیسم تا گردن
در مردابهای ویتنام و هند و چین فرورفت، ما حاضریم
تا فرق سر او را در گردابهای اقیانوس هند فرو ببریم!!
آری خلقهای غرب آسیا گورستان بسیار فراختری را
برای امپریالیسم و تمام دست نشاندهگان محلی آن
تدارک دیده‌اند!

ای توده های عظیم خلق ما !

کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، روحانیون ، پیشه
وران ، بازاریان ، دانشجویان ، دانش آموزان ، زنان
و مردان انقلابی :

امپریالیستهای آمریکائی و رژیم ارتجاعی شاه

جنایتکار بزرگترین دشمنان مردم رنج دیده ما و خلقهای

تحت ستم منطقه هستند . آنها هر روز توطئه های

بزرگتری برای سرکوب مبارزه مردم ما و خلقی منطبقه تدارک

می بینند . آنها همان کسانی هستند که هم اکنون شماره

عظیمی از فرزندان راستین و مبارز شمارا در سیاهچالهای

ساواک و شهرستانی در حالیکه به تخته شلاق بسته

شده اند و بدنهایشان با اجاق برقی و شوک الکتریکی

سوخته است ، به بند کشیده اند . آنها کسانی هستند

که دیکتاتوری سیاه شاه جنایت کارا بریانگهداشته اند

و به اوپاشان و قاتلان سازمان امنیت شاه اجازه داده

اند تا ایران را بیک زندان بزرگ تبدیل کنند . آنها

کسانی هستند که چون زالو، خون شما مردم زحمتکار
ایران را می‌کنند و منابع ثروت طبیعی شما را غارت
میکنند .

توده های مبارز و زحمتکار ما !

مبارزه انقلابی خود را علیه دیکتاتوری شاه
جنایت کار و سلطه امپریالیزم آمریکا بر میهنمان ، شدت
بخشید . در حول سازمانهای مسلح پیشتاز متشکل
شوید و مبارزه خود را در تحت چنین تشکلی تا نابودی
کامل دشمن ، شاه و اربابان آمریکائیس ، بانجام رسانید .

TerrorSpring

نابود باد دیکتاتوری شاه جنایتکار سانسورنجیری آمریکا
پرتوان تربادستان انتقام گیر فرزندان انقلابی خلق
نابود باد نفوذ سلطه طلبانها امپریالیزم آمریکا در منطقه

"سازمان مجاهدین خلق ایران"

۰۴/۲/۳۱

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران
درباره :

عمل ناموفق اعدام دیپلمات امریکایی

در ادامه عملیات نظامی سازمان و در رابطه با هدفهای سیاسی تعیین شده، مقارن ظهر روز پنجشنبه ۱۲ تیرماه ۶۴، یک واحد عملیاتی که مأموریت اعدام دیپلمات امریکایی "رونالد آربونا" به آنها محول شده بود، در تقاطع خیابانهای هاشمی و خردمند راه را بر اتوبوس سرویس آمریکا بستند و بر روی آن آتش گشودند.

طبق شناسائیهای قبلی، دیپلمات مذکور در صندلی عقب و در کنار دو کارمند زن سفارت مسی نشست. بدلیل تیره بودن فضای داخل اتوبوس و بی دقتی مسئول شلیک در تشخیص دیپلمات امریکایی

و همچنین اشکالاتی که در سیستم خبررسانی و افراد
مسئول آن در طرح وجود داشت، کارمند ایرانی
سفارت که آنروز بصورت اتفاقی بجای او نشسته بود،
هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. در این جریان
طبعاً به دو کارمند ایرانی زن و راننده اتومبیل، طبق
برنامه اصلی طرح، هیچگونه آسیبی نرسید.

سازمان مجاهدین خلق ایران بدینوسیله ضمن
ابراز تاسف عمیق خود از این واقعه و همدردی با
خانواده و بستگان این فرد ایرانی، مسئولیت این
عملیات اشتباه آمیز را مستقیماً بعهده میگیرد. مسلماً
چنین اشتباهی مورد بررسی عمیق و ریشه‌ای ما قرار
خواهد گرفت و رفقای که با او دقت خود در ایجاد
چنین حادثه‌ای تاسف انگیز، نقر موشی داشته‌اند -
باتوجه باین اصل که "تنها کسی اشتباه نمیکند که عمل
هم نمیکند" - مورد انتقاد و حتی تنبیه نصامی واقع
خواهند شد.

مواضع کلی ما در قبال شکست ها ، ضعفها

و اشتباهات موجود در سطح جنبش مسلحانه

توضیحات ما در این زمینه ، در موارد زیر خلاصه
میشود :

۱- بنظر ما ضعفها ، شکستها و اشتباهات موجود
در سطح جنبش مسلحانه نمیتواند امری غیر طبیعی و
غیر ممکن باشد ، چرا که بهر حال در شرایط کنونی
جنبش نه‌ای خلق ما در موضع ضعفتری نسبت به
دشمن قرار دارد و از طرف دیگر طبیعت قهرآمیز
مبارزه خونینی که هم اکنون بین خلق ما و رژیم‌خونخوار
و تا دندان مسلح شاه جنایتکار در جریان است ، بما
میآموزد که اشتباهات ولو کوچک ، بسادگی میتوانند
به حوادث خونین و تاسف انگیزی بدل شوند. هرچند
که اینگونه حوادث ، موارد بسیار معدودی از خسارات
و قربانیهای فراوانی را تشکیل میدهد که خلق ما بهر
حال در جریان مبارزه سخت و طولانی اش برای نیل

به آزاد در محمل خواهد شد. اما آنچه که در این میان ضرورت حیاتی مییابد در این مسئله است که تنها در جریان برخورد صادقانه و مسئولانه با همین اشتباهات و ضعفها و شکستهاست که جنبش خلق میتواند پایه های مستحکم پیروزیهای درخشان آینده را پی ریزد نماید.

۲- بعد از این عمل اشتباه آمیز، اظهار نظرها، سئوالات و تعابیر سیاسی گوناگون درباره این مسئله و عمدتاً در جهت توجیه آن عنوان شد. حتی عده ای از عناصر پشتیبان جنبش، ناآگاهانه در صد این بر آمدند که بنحوی این اشتباه تاکتیکی را با هدفهای استراتژیک جنبش مسلحانه منطبق نمایند. ما در اینجا برای بازهم روشن تر شدن هر چه این ابهامات، بار دیگر اعلام میداریم که استراتژی عملیاتی ما بطور کلی بر سه محور ضد امپریالیسم - ضد سرمایه داری

وابسته (کمپرادور) و ضد سلطنتی قرار دارد . بر
مبنای همین نقطه نظرهای استراتژیک است که در این
مرحله ارگانهای امپریالیستی که حمایت بی چون و
چرای رژیم ایران را در دستور قرار داده اند ،
ارگانهای مختلف طبقه حاکمه مزدور ایران ، ارگانهای
اعمال دیکتاتوری و استثمار وحشیانه او و تمام عناصر
خائن بطت ، مغرورین ضد ملی و استثمارگرانی که
مستقیماً در خدمت منافع این طبقه و در خدمت
منافع امپریالیزم و رژیم دیکتاتوری - پلیسی وابسته به
آن قرار دارند و عملاً در قبال جنبش انقلابی خلق
موضع خصمانه اتخاذ نموده اند ، مورد حمله واقع
میشوند . کلیه عملیات نظامی ما نیز تاکنون در رابطه
با چنین محورهای قابل تبیین اند . مطابق این
تحلیل ، یک کارمند ساده هرچند که کارمند سفارت
آمریکا باشد ، نمیتواند و نبایستی هدف عملیاتی ما
قرار گیرد ، زیرا که بسیاری از کارمندان و عناصر پائین

رژیم کسانی هستند که تضادهای مشخصی با رژیم دیکتاتوری دارند و این امکان همیشه وجود دارد که تحت شرایطی به حامیان جنبش خلق تبدیل شوند .

۳- همچنین بنظر ما همانطور که اعلام و توضیح پیروزیها و موفقیتهای جنبش از طرف سازمانها و گروههای عمل کننده ضرورت دارد ، بعهدہ گرفتن مسئولیت ضعفها و اشتباهات و عواقب ناشی از آن ضروریست . زیرا داشتن يك موضع صادقانه در مقابل خلق که خود انعکاس برخورد مسئولانه در درون سازمانها و گروههای انقلابی است ، متقابلا تعهد ما را در قبال خلق افزون ساخته و بدین طریق است که میتوانیم از تکرار اشتباهات و حاکمیت ضعفها جلوگیری کنیم .

مسئله درك نکردن مسائل فوق و عدم برخورد

مشخص و جدی با آنها ، زمینه را برای رواج بی نظمی و هرج و مرج در میان جنبش انقلابی ، از طریق انجام عملیات غیر مسئولانه بوسیله انقلابی نماهای فرصت طلب و یا حتی عناصری که ناآگاهانه دست به عملیات کور و انحرافی میزنند ، فراهم میسازد . در چنین صورتی طبیعی خواهد بود که رژیم توطئه گر شاه کوشش خواهد کرد که با استفاده از چنین دستاویزها عی به منظور مخدوش کردن رابطه اعتماد آمیز خلق و انقلاب ضربات بیشتری بر پیکر انقلاب خلق وارد آورد . در حالیکه برخورد مسئولانه و صادقانه نیروهای انقلابی و مبارز در چنین مواردی نه تنها بطور دراز مدت نمیتواند مورد سوء استفاده رژیم قرار گیرد ، بلکه با ایجاد یک رابطه اعتماد آمیز بین خلق و انقلاب ، هرگونه توطئه رژیم را درهم خواهد شکست .

سرانجام پیروزی از آن نیروهای انقلابی است

" سا زمان مجاهدین خلق ایران "